

یادی از سه همشهری متفاوت!

احمد زیدآبادی

در روزهای اخیر دو همشهری مشهور کرمانی بر اثر بیماری سرطان دیده از جهان فرو بستند.

یکی از آنها نعمت احمدی فارغ‌التحصیل رشته حقوق و تاریخ بود که به دلیل به عهده گرفتن وکالتِ تنی چند از فعالان مطبوعاتی و یادداشتهای حقوقی - سیاسیاش در روزنامه‌ها معرف خاص و عام است. دیگری کاپیتان محمود ضرابی، خلبان برجسته نیروی هوایی ارتش ایران که برای دفاع از خاک کشور در دوران جنگ، از هرگونه فداکاری دریغ نکرد.

خداوند هر دو را مورد لطف و رحمت خود قرار بدهد و به خانواده و دوستانشان صبر و اجر عنایت کند.

من با زنده‌یاد سرتیپِ خلبان محمود ضرابی چندین بار در محفل اعضای کانون علوم اداری ایران برخورد رودررو داشتم. سرتیپ ضرابی هیکلی قوی، صدایی رسا، شجاعتی آشکار و دلی عاشق ایران داشت. او از نحوه اداره کشور بی‌نهایت دلخور و غمگین بود و به‌رغم سابقه نظامی‌اش نارضایتی عمیق خود را در این باره پنهان نمی‌کرد. چه بسا انباشت غم و اندوه در ابتلای او به سرطان بی‌تاثیر نبوده باشد.

برخوردم با زنده‌یاد نعمت احمدی معمولاً تصادفی اما بسیار بود. خلق و خویش را می‌شناختم، ولی چند روز هم‌بندی در قرنطینه زندان اوین در سال 82 سبب آشنایی عمیق‌ترم با او شدم.

در آن سال همین که پا به قرنطینه گذاشتم، نعمت در برابرم ظاهر شد. در واقع انتظار ورودم را می‌کشید، چون از طریق جراید یا رادیوهای خارجی از دستور اجرای باقیمانده حکم زندانم با خبر شده بود. دیدن او در آنجا اما مرا کاملاً غافلگیر کرد. خبر زندانی شدنش جایی پخش نشده بود و او توضیح داد که سعید مرتضوی به قصد کم کردن رویش، حکم بازداشت او را صادر کرده است.

سه، چهار روزی که با مرحوم نعمت در قرنطینه دمخور بودم به خوشی تمام گذشت. در حقیقت مرا به اتاقی فرستاده بودند که با دیگر زندانیان در تماس نباشم و به قول وکیل بند در حبس مجرد به سر می‌بردم. با این حال، مرحوم نعمت لحظه‌ای مرا تنها نمی‌گذاشت و با آنکه 10 سال از من بزرگ‌تر بود، حتی اجازه نمی‌داد که من برای

